

ایین جا

محل

دویدار

است

جان بر جر

سرشناسه: برگز، جان، ۱۹۲۶ م. Berger, John

عنوان و نام پدیدآور: اینجا محل دیدار ماست/جان برگز؛ مترجم: فرناز حائری.

مشخصات نشر: تهران: حرفه نویسنده، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۲۱۴ ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س م.

شابک: 978-600-6445-05-2

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Here is where we meet, c 2006.

یادداشت: کتاب حاضر در سال ۱۳۹۲ با عنوان «وعده‌گاه» با ترجمه ابراهیم اقلیدی توسط صدای

معاصر فیا گرفته است.

عنوان دیگر: وعده‌گاه.

موضوع: داستانهای انگلیسی -- قرن ۲۰ م.

شناسه افزوده: حائری، فرناز، ۱۳۵۴ - مترجم

رده بندی کنگره: PR

رده بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۳۵۷۸

حرفه نویسنده

نشانی: تهران، صندوق پستی ۱۸۹۵-۱۶۳۱۵

• جان برگز، مترجم: فرناز حائری.

• چاپ و صحافی: معرفت.

• چاپ اول: ۱۳۹۳ • شمارگان: ۱۱۰۰

• طراحی گرافیک و تصویرسازی: نوس نگاه.

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

[فهرست]

مقدمه‌ی مترجم

۱۳	۱] ایسمون
۵۹	۲] ژنو
۷۳	۳] کراکو
۹۷	۴] چند میوه آن‌طور که برده‌گان به خاطر می‌آورند
۱۰۳	۵] ایزلینگتون
۱۱۹	۶] پل آرک
۱۳۱	۷] مادریه
۱۴۵	۸] بود شوم و بود چینگ
۲۰۹	۸ ^{۷۲}]

[مقدمه‌ی مترجم]

آنچه مرا مجذوب جان برجر کرد، نه خیل نقدهای موشکافانه‌اش از عکس‌ها و نقاشی‌ها بود و نه گفته‌های سوزان سونتاک در ستایش او. بلکه همین کتاب بود. از خوش‌اقبالی من بود که دست آخر ترجمه‌ی کتاب نصیب من شد. همان‌جا در دفتر حرفه نویسنده که شروع به خواندن کتاب کردم، میخ‌کوب شدم. از آن شیرینی‌هایی بود که نه دلت می‌آمد دست از خوردنش برداری، و نه دلت می‌آمد تمامش کنی.

روزگاری دوستی به من گفت که همه‌ی لطف زندگی در جزئیات آن است. از آن روز تمام سعی‌ام بر این بوده که جزئیات را بیش‌تر و بهتر ببینم. وقتی این کتاب را خواندم، همین جزئیات بود که مجذوبم کرد. جان برجر سلطان جزئیات است: جزئیات تصاویر و خرده‌خاطره‌ها، ارجاعات ریز به ریز و طناز. به‌رغم این‌که پا در هیچ‌کدام از شهرهای این کتاب نگذاشته‌ام، کتاب برایم پر بود از نوستالژی. خواندن این کتاب مثل این بود که چنان در بحر جزئیات گل‌برگ گلی بروی که خود گل را فراموش کنی. انگار تمام آدم‌های کتاب، آدم‌های زندگی خودم بودند؛ و خرده‌خاطره‌هایی که برای لحظاتی زنده می‌شدند و غافل‌گیرم می‌کردند.

اما ترجمه‌ی کتاب هیچ ساده نبود. کتاب پر است از بازی‌های زبانی و القانات

آوایی که برگردان آنها به حروف فارسی، گاهی خوانش متن را دشوار و گنگ می‌کرد. تصمیم‌گیری، با وسواسی که دچارش شده بودم، آسان نبود. ارجاعات را هم تا آن‌جا که حال و هوای داستان اجازه می‌داد در زیرنویس‌ها توضیح داده‌ام. با این حال لذتی که غوطه خوردن در این داستان برایم به ارمغان آورد، تجربه‌ی ترجمه را به قندِ آلو سیاه بدل کرد. حالا چرا آلو سیاه، در فصل چهارم متوجه می‌شوید. امیدوارم ترجمه‌ی اثر به مذاق‌تان خوش بیاید و دست‌کم بخشی از لذتی را که هنگام خواندن و ترجمه‌ی متن اصلی برده‌ام، شما نیز بجشید.

فرناز حائری
زمستان ۱۳۹۰